

تحلیل دیدگاه آموزشگران مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی در ارتباط با فلسفه آموزش بزرگسالان

همایون فرهادیان^{۱*}، فهیمه سردار^۲ و عنایت عباسی^۳

۱، ۲، ۳، استادیار، دانشجوی کارشناسی ارشد و استادیار گروه ترویج و

آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۶ - تاریخ تصویب: ۹۱/۶/۱۴)

چکیده

به رغم گذشت هفت دهه از فعالیت در زمینه آموزش بزرگسالان و تاسیس چندین سازمان رسمی و غیر رسمی، نه تنها فلسفه جامعی برای آموزش بزرگسالان تدوین نشده است، بلکه حتی تلاش چشمگیری هم برای معرفی فلسفه های آموزشی مطرح در آموزش بزرگسالان صرف نشده است. هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش آموزشگران مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان می باشد. تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری مورد نظر شامل آموزشگران مرکز آموزش عالی امام خمینی و مرکز آموزش و توانمندسازی بهره برداران منابع طبیعی و آبخیزداری کلارآباد (N=۱۱۰) بود که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۸۶ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه استاندارد لوریان زین بود. برای تعیین پایایی پرسشنامه ۲۰ نفر از آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی دکتر جوانشیر (کلاک_کرج) انتخاب شده و مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. یافته ها نشان داد که اکثر آموزشگران این دو مرکز دارای دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان هستند. طبق نتایج به دست آمده از آزمون t بین نگرش آموزشگران دو مرکز در زمینه دیدگاه فلسفی لیبرال تفاوت معنی داری در سطح ۰/۰۵ وجود داشت. بر اساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی، بین متغیرهای سن و سابقه تدریس با دیدگاه های فلسفی لیبرال، رفتارگرایی، پیشرفت گرایی، انسان گرایی و رادیکال رابطه معنی داری وجود دارد.

واژه های کلیدی: آموزشگران، مرکز آموزش کشاورزی، مرکز آموزش منابع طبیعی، فلسفه

آموزش بزرگسالان، فلسفه پیشرفت گرایی

مقدمه

مگر از طریق آموزش (Nazarzade, 2008). با در نظر گرفتن اهمیت توسعه سرمایه انسانی در هر جامعه، آموزش افراد به ویژه بزرگسالان که به عنوان سرمایه های فعال هر جامعه شناخته می شوند، در همه بخش ها،

در جهان امروز، شرط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه ای در توسعه سرمایه های انسانی آن جامعه نهفته است و توسعه سرمایه های انسانی امکان پذیر نیست،

امری مهم و ضروری است. با توجه به این موضوع که هم اکنون، بخش کشاورزی با سرعت پیشرفت تکنولوژی، بازاریابی نوآورانه، تکنیک های نوین مدیریت مزرعه و قوانین جدید کشاورزی مواجه است، آموزش بزرگسالان با هدف تطابق با این تغییر و تحولات بسیار حایز اهمیت است (Chizari & Taylor, 1991).

در آموزش بزرگسالان، عوامل و ارکان بسیاری موثر است. آموزشگر به عنوان یکی از ارکان اساسی در این زمینه ایفای نقش می نماید. بخشی از موفقیت آموزشگر مستلزم این است که نگرش وی در زمینه آموزش بزرگسالان، با ویژگی ها، اهداف و روش های تدریس آموزش مربوط به بزرگسالان مطابقت داشته باشد.

بر همین مبنا، شناخت نگرش آموزشگران در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان، امری لازم و ضروری است، چرا که فلسفه هر فرد در زمینه آموزش و یادگیری می تواند به عنوان ساختار سازمان یافته اعتقادات، ارزش ها و نگرش های فردی، به تبادل یادگیری و آموزش کمک نماید (Heimlich & Norland, 1994).

مسأله این است که با وجود گذشت هفت دهه از تجارب آموزش بزرگسالان، فلسفه جامع و بومی در این زمینه تدوین نشده است و همین مسأله باعث می گردد که آموزشگران بزرگسال با ذهنیت های فلسفی و نظری متفاوت، ناکافی و بدون انسجام وارد حوزه ی عمل شوند، لذا طبیعی است وقتی آموزشگران از تشخیص دیدگاه های فلسفی که منشا اصلاحات آموزشی به شمار می آیند ناتوان باشند، از نظر حرفه ای نه قادر به نقادی اصلاحات خواهند بود و نه قادر خواهند بود اصلاحات را به کار بندند (Zandvavian Naini, 2009). این در حالی است که تحقیقات اخیر ارتباط بین اعتقادات آموزشگران در زمینه فلسفه آموزشی و اقدامات آنان در کلاس درس را تأیید می نماید (Foster, 2006; Fritz, 2006; O'Brien, 2001; Watkins, 2006).

در سال ۱۹۷۳، Apps (از پیشگامان ایجاد فلسفه کاری در آموزش بزرگسالان) خطوط راهنمای کلی و روشنی را ارائه کرد تا آموزشگران با استفاده از آن، فلسفه کاری خود را در آموزش بزرگسالان ایجاد کنند. او پیشنهاد کرد که مربیان و آموزشگران، باورهایشان را در

پنج طبقه شناسایی و فرمول بندی کنند: باورها درباره ی فراگیر، هدف کلی آموزش بزرگسالان، محتوا یا مواد درسی، فرایند یادگیری و باورها درباره نقش آموزشگران بزرگسالان (White & Brockett, 1987). همچنین Beder (1989)، اصولی که می تواند اساس فلسفه آموزش بزرگسالان را تشکیل دهد، به شرح زیر مطرح می نماید: توجه به نقش بزرگسالان در یک جامعه، بهره مندی افراد از آموزش مداوم و مستمر، احترام به بزرگسالان، در نظر گرفتن عزت نفس و نیازهای اجتماعی و آموزشی متفاوت بزرگسالان.

Zinn (1983) فلسفه آموزش بزرگسالان را بر اساس پنج دیدگاه فلسفی لیبرال (آزادی خواهی) ۱، رفتارگرایی ۲، پیشرفت گرایی ۳، انسان گرایی ۴ و رادیکال (بازسازی اجتماعی) ۵ استوار ساخته است. ویژگی های هر یک از این مکاتب فلسفی به شرح زیر است.

دیدگاه فلسفی لیبرال بر تسلط بر محتوا تأکید دارد و به معلم به عنوان متخصص و مسؤول فرایند آموزش می نگرد (معلم محور). هدف این دیدگاه فلسفی، توسعه عقلایی نیروهای فکری و روشنفکری و ارتقاء گسترده یادگیری است. در این دیدگاه آموزشگر، یک فرد خبره ی انتقال دهنده علم است و به طور مستقیم یادگیری را هدایت می کند. روش های تدریسی که آموزشگر در این دیدگاه فلسفی به کار می برد شامل سخنرانی، تجزیه و تحلیل انتقادی، پرسش و پاسخ، بحث های هدایت شده توسط معلم، مطالعات انفرادی و تست های استاندارد است.

دیدگاه فلسفی رفتارگرایی بر اهمیت محیط در شکل دهی رفتار مطلوب تأکید دارد. هدف این دیدگاه فلسفی، ترویج صلاحیت و شایستگی، توسعه مهارت ها و تغییرات رفتاری، اطمینان یافتن از تطابق با استانداردهای اجتماعی و انتظارات مربوطه است. در این دیدگاه آموزشگر به عنوان یک مدیر، کنترل کننده،

1. Liberal
2. Behaviorist
3. Progressive
4. Humanistic
5. Radical

بحث انتقادی و بازخوردی، مطرح کردن مشکلات، تجزیه و تحلیل خروجی های رسانه ها و نمایش اجتماعی است (Zinn, 1994).

به نظر Conti (2007) در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان، ابزار برجسته ای که تاکنون ساخته شده است پرسشنامه فلسفه آموزش بزرگسالان^۱ (PAEI) توسط زین است. دیدگاه فلسفی زین مبنای تحقیقات بسیاری در زمینه فلسفه آموزش بزرگسال گردیده است. Wingenbach (1996) در مطالعه دانشجویانی که در کلاس های آموزشگری ثبت نام کرده بودند به این نتیجه رسید که تفاوت معنی داری بین دختران و پسران به لحاظ دیدگاه های فلسفی رفتار گرایی و رادیکالی وجود دارد و دختران میانگین نمره بالاتری نسبت به پسران در زمینه ی فلسفه رادیکالی کسب کردند. در زمینه ی دیدگاه فلسفی رفتارگرایی، میانگین نمره دانش آموختگان دختر بالاتر از میانگین نمره ی دانش آموختگان پسر بود و در گروه کارشناسی، پسران میانگین نمره بالاتری نسبت به دختران در این دیدگاه داشتند. به طور کلی، بین میانگین نمره دانشجویان در زمینه ی دیدگاه های فلسفی رفتارگرایی، انسان گرایی و رادیکالی تفاوت معناداری وجود نداشت.

تحقیق دیگری در همین راستا، توسط (1985) McKenzie بر روی مربیان کسب و کار، آموزشگران مذهبی و دانش آموختگان آموزش بزرگسالان انجام شد. یافته ها نشان داد که بین گروه های مورد بررسی از نظر دیدگاه های لیبرال، رفتارگرایی، پیشرفت گرایی، انسان گرایی و رادیکال تفاوت معناداری وجود دارد. اکثر مربیان کسب و کار و دانش آموختگان آموزش بزرگسالان دارای دیدگاه های فلسفی لیبرال، رفتارگرایی و پیشرفت گرایی هستند در حالی که اکثر آموزشگران مذهبی دارای دیدگاه فلسفی انسان گرایی و رادیکال هستند.

یافته های تحقیق Foster (2006) بر روی کاندیداهای آموزشگری در ایالت شمال شرقی در دانشگاه اوکلاهما^۲

هدایت کننده و پیش بینی کننده نتایج یادگیری است. روش های تدریسی که آموزشگر در این دیدگاه فلسفی به کار می برد شامل آموزش های کامپیوتر محور، دوره های تحصیلی محدود، تمرین عملی مهارت، نمایش و تمرین است.

دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی بر شناسایی نیازها، علایق و تجارب فراگیران تأکید دارد و به فراگیران فرصت تجربه می دهد. هدف این دیدگاه فلسفی، پشتیبانی از مشارکت مسؤولیت دار در جامعه است تا به یادگیرندگان دانش عملی و مهارت حل مسأله منتقل شود. در این دیدگاه آموزشگر به عنوان سازمان دهنده، راهنما در زمینه فرایند یادگیری، فراهم کننده یادگیری منطبق با شرایط واقعی زندگی و کمک کننده جهت انجام کار مشارکتی است. روش های تدریسی که آموزشگر در این دیدگاه فلسفی به کار می برد شامل پروژه، روش تجربی یا عملی، شبیه سازی، گروه پژوهش و یادگیری تعاونی است.

دیدگاه فلسفی انسان گرایی، بر رشد شخصی و تسهیل خودگردانی فراگیران در فرایند یادگیری تأکید می کند (فراگیر محور). هدف این دیدگاه فلسفی، ارتقاء رشد و توسعه فردی و تسهیل گری در خودشکوفایی فردی است. در این دیدگاه، آموزشگر به عنوان تسهیلگر، کمک کننده، مشارکت کننده در آموزش، مبادله کننده یادگیری به شکل دو جانبه و حمایت کننده از فرایند یادگیری است. روش های تدریسی که آموزشگر در این دیدگاه فلسفی به کار می برد شامل یادگیری تجربی، یادگیری اکتشافی، بحث آزاد، پروژه فردی، یادگیری باهم، مطالعه مستقل و خود ارزیابی است.

دیدگاه فلسفی رادیکال بر نقش آموزش و پرورش به عنوان وسیله ای برای ایجاد تغییرات عمده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. هدف این دیدگاه فلسفی، فراهم سازی آموزش سراسری مبنای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تغییرات اقتصادی در جامعه است. نقش آموزشگر هماهنگ کننده، یکسو کننده، مثل یک شریک با فراگیر و پیشنهاد دهنده، ولی نه تعیین کننده جهت ها است. روش های تدریسی که آموزشگر در این دیدگاه فلسفی به کار می برد شامل

1. Philosophy of Adult Education Inventory
2. Oklahoma

۱. تعیین فلسفه آموزش بزرگسالان در مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه آموزشگران،
 ۲. تعیین رابطه بین فلسفه آموزش بزرگسالان دو مرکز و ویژگی های فردی آموزشگران و ۳. مقایسه دو مرکز با توجه به پنج دیدگاه فلسفی مورد مطالعه.

مواد و روش ها

روش تحقیق مورد استفاده در انجام این تحقیق، توصیفی-همبستگی با استفاده از راهبرد پیمایش بود. جامعه آماری تحقیق را آموزشگران مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی تشکیل داده اند که تعداد آن ها ۱۱۰ نفر بود. تعداد نمونه آماری مورد بررسی، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970)، ۸۶ نفر تعیین شد که نهایتاً ۶۶ پرسشنامه (۳۴ پرسشنامه مربوطه به مرکز آموزش کشاورزی و ۳۲ پرسشنامه مربوط به مرکز آموزش منابع طبیعی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه های تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی و بر اساس لیست موجود از آموزشگران مرکز آموزش کشاورزی انتخاب شدند.

ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که با اقتباس از پرسشنامه استاندارد فلسفه آموزش بزرگسالان (PAEI) Zinn, (1983)، مشتمل بر دو بخش اصلی است. بخش اول، شامل پرسش های مربوط به ویژگی های فردی از قبیل سن، جنسیت، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، سابقه کار، سابقه تدریس و میزان تحصیلات است. بخش دوم، مربوط به نگرش آموزشگران در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان است که شامل ۱۵ مؤلفه و هر مؤلفه شامل ۵ سؤال می باشد. محققین با توجه به تفاوت های فرهنگی و ارزش های رایج در جامعه مؤلفه ۱۵ را حذف نموده به گونه ای که به ابزار مورد استفاده خدشه ای وارد نشود. در نهایت، تحلیل ها بر اساس ۱۴ مؤلفه که با استفاده از طیف لیکرت پنج قسمتی از ۱، کاملاً مخالفم تا ۵، کاملاً موافقم امتیازدهی شده اند، انجام شد. قابلیت اعتماد (پایایی) پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در مرحله پیش آزمون، ۹۱ درصد به دست آمد.

نشان داد که حدود یک سوم از شرکت کنندگان (۳۷/۴ درصد) دارای دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی، ۲۲ درصد از آنها دارای دیدگاه فلسفی انسان گرایی، ۱۹/۸ درصد دارای دیدگاه فلسفی رفتارگرایی، و بقیه دارای دیدگاه فلسفی رادیکال و لیبرال هستند.

Buckingham (2000) دیدگاه فلسفی آموزشگران بزرگسالان را در سه ایالت پنسیلوانیا، ویرجینیای غربی و ویرجینیا بررسی کرده است. بر اساس نتایج حاصله، بین دیدگاه ای فلسفی آموزشگران در سه ایالت مطالعه شده، به جز در مورد دیدگاه فلسفی انسان گرایی تفاوت معنی داری وجود دارد.

نتایج تحقیق دیگری که توسط Boone et (2002) al. با عنوان "بررسی دیدگاه آموزشگران کشاورزی مدارس متوسطه در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان در سه ایالت پنسیلوانیا، ویرجینیا و ویرجینیای غربی" انجام شد، نشان داد که به طور کلی بیش از دو سوم آموزشگران سه ایالت دارای فلسفه پیشرفت گرایی هستند.

نتایج تحقیق انجام شده توسط Zoellick (2009) در زمینه گرایش فلسفی پزشکان مینه سوتا^۱ به آموزش بزرگسالان نشان داد که بیشتر پاسخگویان (۳۳ درصد) به فلسفه انسان گرایی و کمترین تعداد افراد (۳ درصد) به فلسفه رادیکال گرایش دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، تحقیق حاضر با مینا قرار دادن دیدگاه زین در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان، دیدگاه آموزشگران کشاورزی و منابع طبیعی دو مرکز آموزش عالی امام خمینی (کرج) و مرکز آموزش و توانمندسازی بهره برداران منابع طبیعی کلارآباد (تنکابن)^۲ که مهمترین مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران هستند را مورد بررسی و مقایسه قرار داده است. در این راستا اهداف اختصاصی تحقیق عبارتند از:

1. Minnesota

۲. منبع به جای دو مرکز "آموزش عالی امام خمینی (کرج)" و "آموزش توانمندسازی بهره برداران منابع طبیعی کلارآباد (تنکابن)" به ترتیب "مرکز آموزش کشاورزی" و "مرکز آموزش منابع طبیعی" استفاده می شود.

درصد از آموزشگران کشاورزی هیأت علمی بود و تنها ۲۷ درصد به عنوان کارشناس و کارشناس ارشد مشغول به کار بودند، در حالی که تنها ۱۴ درصد از آموزشگران منابع طبیعی عضو هیأت علمی بودند و مابقی (۸۶ درصد) کارشناس و کارشناس ارشد بودند. در مرکز آموزش کشاورزی ۴۵/۵ درصد از آموزشگران در آموزش های غیررسمی و ضمن خدمت تدریس می نمودند، در حالی که ۶۳/۹ درصد از آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی در آموزش های غیر رسمی و ضمن خدمت تدریس می کردند.

دیدگاه آموزشگران در زمینه فلسفه آموزش بزرگسالان در مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی

همان طور که ملاحظه می شود (جدول ۱)، ۳۷/۹ درصد از پاسخگویان دارای دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی، ۲۷/۳ درصد دارای دیدگاه فلسفی رفتارگرایی، ۲۵/۸ درصد دارای دیدگاه فلسفی لیبرال، ۶/۱ درصد دارای دیدگاه فلسفی انسان گرایی و تنها ۳ درصد از آموزشگران دارای دیدگاه فلسفی رادیکال هستند.

جدول ۱- دیدگاه آموزشگران در زمینه فلسفه آموزش

فلسفه	فراوانی	درصد	درصدتجمعی
لیبرال	۱۷	۲۵/۸	۲۵/۸
رفتارگرایی	۱۸	۲۷/۳	۵۳
پیشرفت گرایی	۲۵	۳۷/۹	۹۰/۹
انسان گرایی	۴	۶/۱	۹۷
رادیکالی	۲	۳	۱۰۰
کل	۶۶	۱۰۰	

یافته های به دست آمده از جدول (۲)، نشان می دهد که در مرکز آموزش کشاورزی دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی با میانگین (۴/۰۹) بالاترین رتبه را کسب نموده و دیدگاه فلسفی رادیکال با میانگین (۳/۷۱) دارای پایین ترین رتبه است. در مرکز آموزش منابع طبیعی نیز دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی با میانگین (۴/۰۹) بالاترین رتبه را کسب و دیدگاه فلسفی رادیکال با میانگین (۳/۷۱) دارای کمترین رتبه می باشد.

تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام پذیرفت. در بخش توصیفی از آماره هایی نظیر میانگین، فراوانی، در صد و درصد تراکمی بسته به نیاز تحقیق استفاده گردید. در بخش استنباطی، به منظور تعیین رابطه بین فلسفه آموزشگران دو مرکز و ویژگی های فردی آنان از ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شد. همچنین برای مقایسه دو مرکز به لحاظ نوع فلسفه آموزشگران، از آزمون t استفاده گردید.

نتایج

بر اساس یافته های به دست آمده از تحقیق، بیشترین تعداد آموزشگران مرکز آموزش کشاورزی (۳۲ نفر، ۹۴/۱ درصد) مرد و تنها ۵/۹ درصد (۲ نفر) زن بودند. همچنین ۸۷/۵ درصد (۲۸ نفر) از آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی مرد و ۱۲/۵ درصد (۴ نفر) زن بودند. اکثر آموزشگران مرکز آموزش کشاورزی (۹۱/۲ درصد) بالای ۴۰ سال سن داشتند و تنها ۸/۸ درصد از آموزشگران این مرکز زیر ۴۰ سال بودند. بیشتر آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی (۷۸ درصد) ۴۰ سال به بالا داشتند و تنها ۲۲ درصد از آنها ۴۰ سال به پایین سن داشتند. لذا می توان گفت اکثریت آموزشگران در هر دو مرکز در سنین میانسالی و بالاتر از آن قرار دارند و به تبع دارای تجربه کافی در امر آموزش هستند. اکثر آموزشگران (۹۳/۸ درصد) در هر دو مرکز متأهل بودند. سابقه کار اکثریت آموزشگران کشاورزی (۸۸/۲ درصد) و منابع طبیعی (۷۸/۵ درصد) بیش از ۱۰ سال بود. اکثریت (۷۴ درصد) آموزشگران کشاورزی دارای سابقه تدریس بیش از ۱۰ سال بودند و تنها ۳۴ درصد از آموزشگران منابع طبیعی دارای سابقه تدریس بالای ۱۰ سال بودند. ۶۹/۷ درصد از آموزشگران کشاورزی و ۷۵ درصد از آموزشگران منابع طبیعی در یکی از رشته های کشاورزی یا فنی دارای تخصص بودند. به لحاظ مدرک تحصیلی، ۹۷ درصد از آموزشگران کشاورزی و ۶۲/۵ درصد از آموزشگران منابع طبیعی دارای مدرک فوق لیسانس به بالا بودند. همچنین پست سازمانی ۷۳

کشاورزی نتایج این دو دیدگاه فلسفی برعکس می باشد، یعنی دیدگاه فلسفی لیبرال و رفتارگرایی به ترتیب حائز رتبه سه و دو شده اند، به عبارت دیگر دارای دیدگاه فلسفی مترقیانه تری هستند.

دیدگاه های فلسفی پیشرفت گرایی، انسان گرایی و رادیکال به ترتیب در هر دو مرکز رتبه اول، چهارم و پنجم را کسب نمودند. در حالی که دیدگاه فلسفی لیبرال و رفتار گرایی در مرکز آموزش منابع طبیعی به ترتیب حائز رتبه دو و سه شده، ولی در مرکز آموزش

جدول ۲- رتبه بندی دیدگاه های فلسفی آموزشگران در دو مرکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی

مرکز آموزش کشاورزی			مرکز آموزش منابع طبیعی		
رتبه	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای*	رتبه	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای*
۲	۰/۳۸	۴/۰۵	۳	۰/۴۴	۳/۸۰
۳	۰/۲۹	۴/۰۱	۲	۰/۴۰	۳/۹۳
۱	۰/۳۰	۴/۰۹	۱	۰/۴۵	۴/۰۹
۴	۰/۴۳	۳/۷۹	۴	۰/۴۲	۳/۷۷
۵	۰/۳۴	۳/۷۱	۵	۰/۳۵	۳/۷۱

*مقیاس اندازگیری در طیف لیکرت: ۱= کاملاً مخالفم، ۲- مخالفم، ۳- تاحدودی، ۴- موافقم، ۵- کاملاً موافقم

فلسفی لیبرال در بین آموزشگران دو مرکز دارای تفاوت معنی داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. لذا می توان گفت که آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی نسبت به آموزشگران مرکز آموزش کشاورزی دارای دیدگاه فلسفی نزدیک تر به فلسفه آموزشی لیبرال هستند، یا به عبارتی سنت‌گراتر هستند.

به منظور بررسی مقایسه تفاوت دیدگاه فلسفی آموزشگران در دو مرکز آموزشی از آزمون t مستقل استفاده گردید. نتایج آزمون t (جدول ۳) نشان می دهد که آموزشگران مرکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی به لحاظ دیدگاه های فلسفی رفتارگرایی، پیشرفت گرایی، انسان گرایی و رادیکال با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند و تنها به لحاظ دیدگاه

جدول ۳- آزمون مقایسه میانگین ها در ارتباط با دیدگاه فلسفی آموزشگران در مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی

متغیر	گروه*	فراوانی	میانگین*	انحراف معیار	مقدار t	معنی داری
فلسفه لیبرال	۱	۳۴	۵۳/۱۸	۶/۱۳	-۲/۵۵*	۰/۰۱۳
	۲	۳۲	۵۶/۷۸	۵/۳۳		
فلسفه رفتارگرایی	۱	۳۴	۵۵	۵/۶	-۰/۹۸	۰/۳۲
	۲	۳۲	۵۷/۳۱	۴/۲۲		
فلسفه پیشرفت گرایی	۱	۳۴	۵۷/۲۹	۶/۲۹	-۰/۰۱۴	۰/۹۹
	۲	۳۲	۵۷/۳۱	۴/۲۲		
فلسفه انسان گرایی	۱	۳۴	۵۲/۸۲	۵/۹۳	-۰/۲۰۴	۰/۸۴
	۲	۳۲	۵۳/۱۲	۶/۰۸		
فلسفه رادیکال	۱	۳۴	۵۱/۸۲	۴/۷۷	۰/۹۰۵	۰/۱۲
	۲	۳۲	۵۱/۹۶	۵/۰۳		

*گروه ۱= آموزشگران کشاورزی، گروه ۲= آموزشگران منابع طبیعی؛ ** معنی داری در سطح ۰/۰۵

آموزشگران دارای سابقه تدریس کمتر از ۱۰ سال، از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج آزمون t

به منظور بررسی تفاوت دیدگاه فلسفی آموزشگرانی که دارای سابقه تدریس ۱۰ سال به بالا بودند و

فلسفی پیشرفت گرایی بین آموزشگران دو گروه در سطح ۰/۰۵ اختلاف معناداری وجود دارد. این مطلب نشان دهنده این است که میانگین فلسفه پیشرفت گرایی آموزشگران با بالا رفتن سابقه تدریس بیشتر شده است.

(جدول ۴) نشان می دهد که آموزشگران با سابقه تدریس بالاتر از ۱۰ سال و آموزشگران دارای کمتر از ۱۰ سال سابقه تدریس، به لحاظ دیدگاه های فلسفی لیبرال، رفتارگرایی، انسان گرایی و رادیکال با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند. تنها به لحاظ دیدگاه

جدول ۴- آزمون مقایسه میانگین دیدگاه های فلسفی آموزشگران با توجه به سابقه تدریس

متغیر	گروه**	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	معنی داری
فلسفه لیبرال	۱	۳۰	۵۵/۱۳	۷/۰۱	۰/۱۹	۰/۸۴
	۲	۳۴	۵۴/۸۲	۵/۲۰		
فلسفه رفتارگرایی	۱	۳۰	۵۵/۳	۵/۹۳	۰/۴۰	۰/۶۹
	۲	۳۴	۵۵/۸۲	۴/۱۱		
فلسفه پیشرفت گرایی	۱	۳۰	۵۵/۶۳	۶/۵۳	۰/۳۸*	۰/۰۲
	۲	۳۴	۵۸/۸۵	۳/۷۱		
فلسفه انسان گرایی	۱	۳۰	۵۲/۶۳	۷/۳۰	۰/۳۸	۰/۷۰
	۲	۳۴	۵۳/۲۳	۴/۷۶		
فلسفه رادیکال	۱	۳۰	۵۱/۱۳	۵/۹۲	۱/۰۱	۰/۳۲
	۲	۳۴	۵۲/۴۱	۳/۷۹		

*معنی داری در سطح ۰/۰۵ **گروه ۱=آموزشگران با سابقه تدریس کمتر از ۱۰ سال، گروه ۲=آموزشگران با سابقه تدریس بیشتر از ۱۰ سال

دارند. میانگین فلسفه انسان گرایی آموزشگران دارای سابقه کار ۲۰ سال به بالا بیشتر از میانگین فلسفه انسان گرایی آموزشگران دارای سابقه کار کمتر از ۲۰ سال است. پس با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ می توان گفت که با گذشت زمان و افزایش سابقه کار دیدگاه فلسفی آموزشگران از فلسفه آموزشی لیبرال به سمت فلسفه آموزشی رادیکال تغییر می یابد و سال های تدریس آموزشگران نیز بر نگرش فلسفی آنها نسبت به آموزش بزرگسالان تأثیر مثبت داشته است.

به منظور بررسی تفاوت دیدگاه فلسفی آموزشگرانی که سابقه کار ۲۰ سال به بالا دارند و آموزشگرانی که دارای سابقه تدریس کمتر از ۲۰ سال هستند از آزمون t مستقل استفاده گردید. نتایج آزمون (جدول ۵) نشان می دهد که آموزشگران با سابقه کار بالاتر از ۲۰ سال و آموزشگران دارای کمتر از ۲۰ سال سابقه کار، به لحاظ دیدگاه های فلسفی لیبرال، رفتارگرایی، پیشرفت گرایی و رادیکال با یکدیگر تفاوت معناداری نداشته و تنها آموزشگران دو گروه به لحاظ دیدگاه فلسفی انسان گرایی با یکدیگر اختلاف معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول ۵- آزمون مقایسه میانگین دیدگاه های فلسفی آموزشگران با توجه به سابقه کار

متغیر	گروه**	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	معنی داری
فلسفه لیبرال	۱	۳۳	۵۳/۹۷	۶/۱۳	-۱/۵۷	۰/۱۱
	۲	۳۲	۵۶/۳۲	۵/۷۰		
فلسفه رفتارگرایی	۱	۳۳	۵۴/۷۳	۴/۸۷	-۱/۶۱	۰/۱۱

		۴/۹۶	۵۶/۷۱	۳۲	۲	
۰/۰۷	-۱/۷۴	۶/۱۱	۵۶/۳۲	۳۳	۱	فلسفه پیشرفت گرایی
		۳/۹۸	۵۸/۶۴	۳۲	۲	
۰/۰۲	*-۲/۳۲	۵/۸۲	۵۱/۵۴	۳۳	۱	فلسفه انسان گرایی
		۵/۷۷	۵۴/۹۳	۳۲	۲	
۰/۱۲	-۱/۵۷	۴/۸۱	۵۱/۰۵	۳۳	۱	فلسفه رادیکال
		۴/۸۸	۵۲/۹۶	۳۲	۲	

*معنی داری در سطح ۵/۰ ** گروه ۱=آموزشگران با سابقه کار کمتر از ۲۰ سال، گروه ۲=آموزشگران با سابقه کار بیشتر از ۲۰ سال

های فلسفی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد که میزان ضرایب همبستگی مربوط به رابطه بین سن و دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی ($r=0/855$) در مقایسه با سایر دیدگاه های فلسفی بیشتر است. متغیر سابقه کار با هیچ یک از دیدگاه های فلسفی رابطه ای ندارد و متغیر سابقه تدریس تنها با دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی رابطه مثبت و معنا دار در سطح یک درصد ($r=0/384$) دارد.

در جدول (۶)، ضریب همبستگی بین دیدگاه های فلسفی مختلف با یکدیگر و بین متغیرهای سن، سابقه کار و سابقه تدریس با دیدگاه های فلسفی آورده شده است. با توجه به نتایج حاصله، ضریب همبستگی بین دیدگاه فلسفی لیبرال و رفتارگرایی ($r=0/766$) و بین دیدگاه فلسفی رفتارگرایی و پیشرفت گرایی ($r=0/715$) در مقایسه با سایر ضرایب بیشتر است. از میان ویژگی های فردی و حرفه ای بین متغیر سن و تمامی دیدگاه

جدول ۶- همبستگی بین دیدگاه های مختلف فلسفی و متغیرهای فردی و حرفه ای

رادیکال	انسان گرایی	پیشرفت گرایی	رفتارگرایی	لیبرال	
**۰/۳۸۳	**۰/۴۸۲	**۰/۶۵۷	**۰/۷۶۶	۱	لیبرال
**۰/۴۳۲	**۰/۶۱۶	**۰/۷۱۵	۱		رفتارگرایی
**۰/۵۴۲	**۰/۶۲۰	۱			پیشرفت گرایی
**۰/۴۴۱	۱				انسان گرایی
۱					رادیکال
**۰/۴۵۶	**۰/۵۰۸	**۰/۸۵۵	**۰/۶۰۲	**۰/۵۸۸	سن
۰/۱۱۵	۰/۱۳۱	۰/۲۲۷	۰/۱۵۱	۰/۲۱۲	سابقه کار
۰/۲۲۸	۰/۱۵۷	**۰/۳۸۴	۰/۱۴۸	۰/۵۶	سابقه تدریس

- ۰/۷۰ به بالا خیلی قوی، ۰/۶۹ - ۰/۵۰ قابل توجه، ۰/۴۹ - ۰/۳۰ متوسط، ۰/۲۹ - ۰/۱۰ کم، ۰/۰۹ - ۰/۰۱ ناچیز (Davis, 1971)

** معنی داری در سطح ۰/۰۱

نتیجه گیری و پیشنهادها

دو مرکز که می خواهند آموخته های خود را در عمل (فعالیت های کشاورزی و منابع طبیعی) به کارگیرند (و این از مشخصات مکتب فلسفی پیشرفت گرایی است) به نظر می رسد که آموزشگران این مراکز در فرایند تدریس و یادگیری ویژگی های فراگیران را در نظر می گیرند. هر چند که پایین بودن رتبه های مکاتب فلسفی انسان گرایی و رادیکال به معنی این است که آموزشگران هنوز در میانه راه قرار دارند و لازم است تا در فرایند آموزش به ویژگی های فردی فراگیران و تسهیل خودشکوفایی

تحقیق حاضر با هدف تحلیل فلسفه آموزش بزرگسالان در مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران طراحی شده است. بر اساس نتایج تحقیق، آموزشگران این مراکز به مکاتب فلسفی پیشرفت گرایی و رفتارگرایی بیشترین گرایش و به فلسفه رادیکال و انسان گرایی کمترین گرایش را دارند. دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی دیدگاه غالب موجود در این مراکز آموزشی می باشد. با توجه به ویژگی های فراگیران این

عبارتی می توان گفت که تجربه تدریس بر دیدگاه فلسفی آموزشگران مؤثر است و تجربه تدریس بیشتر در زمینه آموزش بزرگسالان باعث می گردد شناخت نسبت به ویژگی های بزرگسالان بیشتر شده و آموزشگر شیوه های تدریس متناسب با آنها را به کار گیرد. علاوه بر این، نتایج حاصله نشان می دهد که سابقه کار بیشتر، آموزشگر را به دیدگاه فلسفی انسان گرایی نزدیک تر می کند، به طوریکه در طی فرایند طولانی مدت تدریس و تعامل هر چه بیشتر با فراگیران، آموزشگر با ویژگی های بزرگسالان بهتر آشنا می گردد و در همین راستا، شیوه های مناسب تدریس به فراگیران بزرگسال را به صورت مؤثر به کار می برد. به عبارتی آموزشگر در فرایند تدریس به عنوان تسهیلگر ایفای نقش می نماید و این بزرگسال است که خود مسؤلیت یادگیری را تقبل می کند، در فرایند یادگیری برانگیخته شده و در برنامه های آموزشی مورد نیاز خود درگیر می شود. در این زمینه پیشنهاد می شود که به دلیل حساسیت آموزش به بزرگسالان، مسؤولین برگزاری این گونه دوره ها در مراکز آموزش کشاورزی و منابع طبیعی از آموزشگران با سابقه تدریس و سابقه کار بالاتر استفاده کنند.

به عنوان نتیجه گیری کلی می توان بیان کرد که آموزشگران این دو مرکز به لحاظ توانایی آموزش به بزرگسالان در حد متوسط (دیدگاه فلسفی پیشرفت گرایی) قرار دارند. در این رابطه پیشنهاد می شود تا در وهله اول، آموزشگران این مراکز خود نسبت به فلسفه زندگی و فلسفه تربیتی خویش معرفت دقیق حاصل کنند، در این صورت است که می توانند با آگاهی از ویژگی های مکاتب فلسفی مختلف نکات مثبت آن ها را در عمل و در فرایند تدریس - یادگیری پیاده نمایند. در این زمینه پیشنهاد می شود تا در قالب کارگاه های آموزشی، آموزشگران با ویژگی های هر یک از این مکاتب فلسفی آشنا شوند.

با توجه اینکه محققین هیچ گزارشی مشابهی در داخل کشور در رابطه با موضوع فلسفه آموزش بزرگسالان نیافتند و همچنین با توجه به نتایج تحقیق به نظر می رسد، برنامه ریزان و سیاستگذاران آموزشی به صورت کلان و در حیطه های مختلف آموزشی،

آنان توجه بیشتری داشته باشند. این نتایج با نتایج تحقیقات McKenzie (1985) در ارتباط با دیدگاه مربیان کسب و کار و دانش آموختگان آموزش بزرگسالان، Foster (2006) در ارتباط با دیدگاه کاندیداهای آموزشگری در ایالت شمال شرقی در دانشگاه اوکلاهاما و Boone et al. (2002) در ارتباط با دیدگاه آموزشگران کشاورزی مدارس متوسطه در سه ایالت پنسیلوانیا، ویرجینیا و ویرجینیای غربی مطابقت دارد.

بر اساس بخش دیگری از نتایج تحقیق، بین آموزشگران دو مرکز مورد مطالعه از لحاظ دیدگاه فلسفی لیبرال تفاوت معنی داری وجود دارد. مقایسه میانگین های کسب شده توسط هر گروه حاکی از آن است که آموزشگران منابع طبیعی دارای دیدگاه فلسفی سنتی تری نسبت به آموزش بزرگسالان هستند. پایین بودن سابقه تدریس آموزشگران منابع طبیعی در مقایسه با آموزشگران کشاورزی و همچنین دارا بودن پست های کارشناسی و کارشناس ارشد به جای عضو هیأت علمی بودن ممکن است دلیل این تفاوت باشد. نتایج این بخش با نتیجه تحقیق Buckingham (2000) مطابقت ندارد. در تحقیق ایشان، بین آموزشگران بزرگسالان سه مرکز ویرجینیا، ویرجینیای غربی و پنسیلوانیا در خصوص دیدگاه فلسفی انسان گرایی تفاوت معنی داری وجود داشت. در این رابطه پیشنهاد می شود تا با برگزاری جلسات مشترک بین آموزشگران دو مرکز، زمینه تبادل تجربه بین آن ها فراهم گردد و ثانیاً در مراکز آموزشی و به ویژه مرکز آموزش منابع طبیعی از آموزشگران باتجربه و دارای سابقه تدریس بالا استفاده شود. از طرف دیگر، با توجه به این که بیشتر آموزشگران مرکز آموزش منابع طبیعی از میان کارشناسان و کارشناسان ارشد سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور انتخاب می شوند و این افراد عضو هیأت علمی نیستند، لازم است تا انگیزه های مالی و معنوی بیشتری برای این افراد فراهم گردد تا آنان با میل و رغبت بیشتری در کلاس ها و دوره های آموزشی حضور یابند.

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین گروه ها، آموزشگران با سابقه تدریس بالاتر از ۱۰ سال دارای دیدگاه نزدیک تری به فلسفه پیشرفت گرایی بودند. به

می‌بایستی در طی دوره‌های بازآموزی و آموزش‌های ضمن خدمت، مبنای هر یک از دیدگاه‌های فلسفی ارائه شده را به آموزشگران، معلمان و حتی اساتید دانشگاه رایحه دهند تا ضمن آشنایی با این دیدگاه‌ها، آموزشگران جایگاه و نگرش فلسفی خود را ارتقا داده و کلاس‌های آموزشی را بر این اساس راهبری نمایند.

REFERENCES

1. Beder, H. (1989). Purposes and philosophies of adult education. In Merriam, S. B. and Cunningham, P.M. (Eds). *Handbook of adult and continuing education*. San Francisco: Jossey- Bass Publishers.
2. Boone, H., Gartin, S., Wright, C., Lawrence, L., & Odell, K. (2002). Adult education philosophies practiced by agricultural education teachers in Pennsylvania, West Virginia, and Virginia, *Journal of Agricultural Education*, 3 (43), 37- 48.
3. Buckingham, C. R. (2000). *Philosophies of adult education as practiced by agricultural education teachers in Pennsylvania, West Virginia, and Virginia*. M. Sc. thesis, West Virginia University.
4. Chizari, M. & Talor, W. (1991). Agriculture teachers' perceptions of adult education programs: An examination of critical educational needs, obstacles faced, and support needed, *Journal of Agricultural Education*, 32 (2), 23-28.
5. Conti, G. (2007). Identifying your educational philosophy: Development of the Philosophies held by Instructors of Lifelong-learners (PHIL), *Journal of adult education*, 36 (1), 19-35.
6. Foster, V. L. (2006). *Teaching- learning style preferences of special education teacher candidates at Northeastern State University in Oklahoma*, Ph.D. dissertation, Oklahoma State University, Stillwater.
7. Fritz, A. (2006). *Education philosophies and teaching styles of Oklahoma elementary public school ESL teachers*, Ph.D. dissertation, Oklahoma State University, Stillwater.
8. Heimlich, J. E. & Normand, E. (1994). *Developing teaching style in adult education*. San Francisco: Jossey- Bass Publishers.
9. Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
10. McKenzie, L. (1985). Philosophical orientations of adult educators. *Lifelong learning: an omnibus of practice and research*, 9(1), 18-20.
11. Nazarzade, M. (2008). Adult education and sustainable development. *Electronic Journal of Communication*. 10 (1). (In Farsi).
12. O'Brien, M. D. (2001). *The educational philosophy and teaching style of rehabilitation educators*. Ph.D. dissertation, Oklahoma State University, Stillwater.
13. Watkins. J. B. (2006). *The educational beliefs and attitudes of title teachers in Tulsa public schools*. Ph.D. dissertation, Oklahoma State University, Stillwater.
14. White, B. & R. Brockett. (1987). Putting philosophy in to practice. *Journal of Extension*, 25(2), 11-14.
15. Wingenbach, G. J. (1996). The philosophy of adult education inventory (PAEI) revisited. *Proceedings of the eastern region agricultural education research conference*, 50, 67-74.
16. Zandvanian Naini, A. (2009). Necessity of having philosophy of adult education as an interdisciplinary field. *Interdisciplinary Studies in Humanities*. 2 (1), 87-117. (In Farsi).
17. Zinn, L. M. (1983). *Development of a valid and reliable instrument for adult educators to identify a personal philosophy of adult education*. Ph.D. dissertation, Florida State University.
18. Zinn, L. M. (1994). *Philosophy of adult education inventory, with forward*. Boulder, CO: Lifelong Learning Options.
19. Zoellick, E. M. (2009). *Philosophical orientation to adult learning: A descriptive study of Minnesota environmental education practitioners*. Ph.D. dissertation, University of Minnesota Duluth.